یادداشت روز

چقدر خوبیم ما*

جواد ماه‌زاده

● هفته پیش دوستی از من خواست تا راه رسیدن به نسخه‌ای از سریال «خانواده مدرن» (modern family) را به او بگویم. گفت که خانواده‌اش شیفته سریال «هفت‌سنگ» شده و حالا که سرنخ ماجرا دستشان آمده، برای دیدن اصل سریال بی‌تابی می‌کنند. پیگیری و جدیتی که در این خانواده سراغ دارم، به من می‌گوید که آن را گیر آورده و مثل یک مصرف‌کننده خوب تا آخر آن را می‌بینند. خوی مصرف‌کنندگی و انتظار برای تولیدهای بعدی و مصرف بیشتر، یکی از عادات رایج ما و حتی تولیدکنندگان ماست. انبوه آگهی‌های تلویزیونی که از روی دست خارجی‌ها کپی می‌شود و محصولات خوراک و پوشاک و بسته‌بندی و... که بعد از تولید در خارج از کشور، یک‌شبه به دست توانمند تولیدکنندگان، ایرانیزه می‌شود، سرعت و جدیت ما را در امر تقلید و عدم‌خلاقیت به‌خوبی نشان می‌دهد. یکی از محاسن سیستم‌های نفتی و مبتنی بر ثروت‌های زیرزمینی (بخوانید خدادادی، بادآورده یا...) همین است که در آن نیازی به تحرک و تفکر و تولید نیست. مثل وضعیت یک پسر حاجی پولدار که زحمت درس و کسب تجربه و... را به خودش ندهد و پشتش گرم باشد به منبعی موروثی. اینکه عقب‌ماندگی ما جهان‌سومی‌ها مولود استعمار است یا از دل زندگی و باورهای خودمان برآمده، در صحبت درباره شباهت این دو سریال ایرانی و امریکایی، به موضوعی ثانوی تبدیل می‌شود که هم از حوصله خواننده این ستون خارج است و هم از توانایی صاحب این قلم. این مقدمه‌بافی برای طرح این مساله است که سازندگان سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی چقدر کتاب می‌خوانند، چقدر با داستان‌ها و ادبیات ایران آشنایند و چرا وقت، حوصله یا تمرکز لازم را برای نگارش یک متن جدید یا یک اقتباس خوب ندارند. صحبت این نیست که فیلمساز ما باید برای اقتباس، حتما به داستان‌های ایرانی رجوع کند و عادت به مطالعه ادبیات کشورمان داشته باشد. او می‌تواند خواننده ادبیات جهان باشد و قصه مطلوب خود را بر مبنای یک داستان خارجی تولید کند؛ اما به‌راستی بازتولید و بازآفرینی کند، نه تقلید. مثلی رایج در میان داستان‌نویسان می‌گوید هیچ داستان تازه‌ای برای گفتن نیست و همه نویسندگان از روی دست اسلافشان می‌نویسند. این از رو نوشتن، همان خواندن و خواندن است. منبع هر داستان، صدها کتاب و فیلم و نمایشی است که نویسنده آنها را خوانده یا دیده و آثار آنها در ذهنش مانده است. متاسفانه عادت به کسب منفعت کوتاه‌مدت، حسابی پخته‌خوارمان کرده است. در این میان حتی برخی بااستعدادها نیز ترجیح می‌دهند قید تشخص هنری را زده و به منافع دم‌دست چنگ بزنند. خیلی از مخاطبانی که به پخش «هفت‌سنگ» با لبخندی استهزاآمیز واکنش نشان داده‌اند، این روزها به یاد سریال‌های رضا عطاران در ماه رمضان افتاده‌اند. بعضی‌ها هم که احساس توهین می‌کنند، برخورد سبکسرانه تلویزیون را با مجموعه‌ای مثل «سرزمین کهن» مثال می‌زنند تا همه تقصیر را به گردن صداوسیما بیندازند. در این میان ما مانده‌ایم و لباسی که فکر می‌کردیم بهمان نمی‌آید ولی روزبه‌روز بیشتر به تنمان می‌نشیند و احتمالا به‌زودی ادعا می‌کنیم که از اول صاحبش بوده‌ایم.

***عنوان یادداشت به یکی از گزارش‌های عادل فردوسی‌پور اشاره دارد.**

هفت جهان

رشد ۷۰درصدی خریداران آنلاین «کریستیز»

● **شرق:** موسسه حراج کریستیز در گزارشی از وضعیت فروش خود در نیمه اول سال۲۰۱۴ ضمن اعلام گران‌ترین آثار فروش‌رفته از شکسته‌شدن رکورد فروش آثار خلق‌شده پس از جنگ‌جهانی و دوره معاصر در شش‌ماه گذشته خبر داد. موسسه حراج کریستیز در گزارشی که منتشر کرده، عنوان کرده است که رکورد فروش آثار هنری مربوط به پس از جنگ‌جهانی و دوره معاصر در نیمه اول سال‌جاری (ژانویه تا ژوئن۲۰۱۴) شکسته شده و به رقمی بالغ بر ۲/۶۹میلیون‌پوند یا ۴/۶بیلیون‌دلار رسیده است. در این گزارش آمده است که فروش کریستیز در نیمه اول سال‌جاری در مقایسه با همین زمان در سال گذشته، ۱۲درصد رشد داشته است که در میان آنها گران‌ترین تابلو با قیمت ۲۷میلیون‌دلار به کلود مونه تعلق داشت که در ماه می در نیویورک به فروش رفت و تابلو گرانقیمت بعدی نیز به اثری از پابلو پیکاسو اختصاص داشت که در همان حراج به قیمت ۲۲میلیون‌دلار به فروش رفت. در حراج کریستیز لندن نیز تابلویی از فرانسیس بیکن به قیمت ۴۲میلیون‌پوند و یک اثر از جف کونز به قیمت ۱۴میلیون‌پوند خریداری شده است. کریستیز همچنین اعلام کرده است ۲۴درصد خریداران، افراد جدید بوده‌اند و فعالیت این حراج به‌صورت آنلاین در مقایسه با گذشته ۷۰درصد رشد داشته است. این حراج تصمیم دارد در اکتبر امسال یک دفتر جدید در شهر شانگهای و یک گالری در شهر نیویورک در نوامبر سال‌جاری افتتاح کند تا پاسخگوی تقاضاهای روبه‌رشد باشد.

نمایشنامه‌خوانی ایام شهادت به روایت محمد رحمانیان

«مجلس ضربت‌زدن» متن جسورانه‌ای است

فرزانه ابراهیم‌زاده

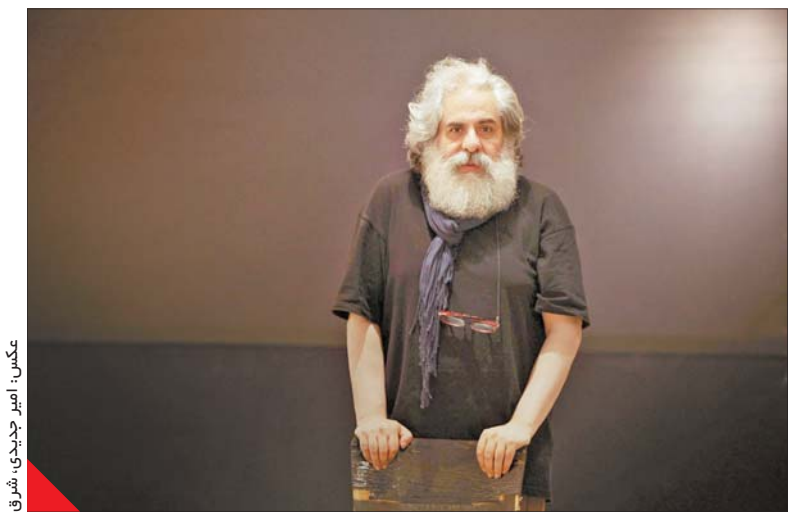

عکس: امیر جدیدی، شرق

«با این دو شمشیر که به خود می‌بندم با ذوالفقار علی برابرم. این سینه‌پوش آهنین، نشان آهن‌دلی‌ام! این کلاهخود تیغ‌شکن، پاسخ درخور سیاف اگر تیغ کشد به فرق سرم! من- پسر ملجم- نمی‌دانم این کار به عشق می‌کنم یا نفرت! گفتی ذوالفقار علی را کدام شمشیرسازی ساخت؟» این حکایت ضربت‌زدن است به روایت ابن‌ملجم مرادی، ضربت‌خوردن نخستین امام شیعیان در روایت بهرام بیضایی؛ نمایشی که قرار است ۳۰ و ۳۱ تیرماه در تالار اصلی تئاتر شهر به کارگردانی محمد رحمانیان خوانده شود. برنامه‌ای از مجموعه برنامه‌های محفل ماه و مهر که با حضور چهره‌ها و متن‌های شناخته‌شده قرار است به شب احیای بیست‌وسوم برسد. اما شاید در میان این متون مجلس ضربت‌زدن بهرام بیضایی به کارگردانی محمد رحمانیان به دلیل پرداختن به روایت شهادت نخستین شهید محراب با توجه به قراردادهای رایج شبیه‌خوانی که از موضوعات مورد علاقه بیضایی است از اهمیت خاصی برخوردار باشد. محمد رحمانیان که این روزها دعوت شده در بخشی از این مراسم نمایشنامه‌خوانی کند، این متن را تنها متنی نمی‌داند که بیضایی با استفاده از قواعد شبیه‌خوانی نوشته است: «مجلس ضربت‌زدن تنها کار آقای بیضایی در مورد شبیه‌خوانی و قراردادهای مربوط به آن نیست. ایشان از برخی از قراردادهای این نمایش آیینی- سنتی ایرانی حتی در فیلم‌های معاصرتری چون «شاید وقتی دیگر» هم استفاده کرده است. المان‌هایی که در شبیه‌خوانی وجود دارد و آن چه می‌شود از این نمایش‌های کهن آموخت این امکان را به آقای بیضایی داده است که بتواند برای بیان برخی از مفاهیم به کار ببندد.»

رحمانیان مجلس ضربت‌زدن را در ردیف کارهایی چون «راه توفانی فرمان پسر فرمان از میان توفان و گمشدگان» و حتی نمایش‌های معاصرتری چون «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» می‌داند و در این‌باره به «شرق» می‌گوید: «آنچه این نمایش را به‌عنوان یک اتفاق بزرگ درآورده پیوندزدن تاریخ مذهبی و تاریخ روایت‌شده و تکرارشده مذهبی ما با مسایل روز جامعه است. یکی از مسایلی که در این نمایش به تصویر کشیده می‌شود مساله امروز و هنوز هنرمندان است که باعث سوءتفاهم‌های فراوانی شده و زمینه دخل‌وتصرف را در نمایش آثار مذهبی فراهم کرده است.» اتفاقی که به گفته این نویسنده و کارگردان تئاتر با بدفهمی و بدخوانی آثاری چون «روز رستاخیز» و حتی «روز حسین» نوشته خود او به وجود آمده، این است: «بیضایی در مجلس ضربت‌زدن داستان گروه تئاتری را روایت می‌کند که قرار است داستان ضربت‌خوردن حضرت علی (ع) را به صحنه بیاورند. اما با مساله ممنوعیت نشان‌دادن چهره اولیا و معصومین روبه‌رو می‌شوند و نمایششان به‌جای آنکه داستان مولای موحدین و اولین شهید محراب باشد داستان آدم‌های بد یعنی ابن‌ملجم و قطام می‌شود. این اتفاق در سریال امام‌علی(ع) هم رخ داده است. به دلیل همین ممنوعیت نمایش چهره اولیا، این سریال داستان اشقیا و نمایش شخصیت‌های بد شده است. در حقیقت نمایش حقیقت تبدیل به نمایش اشقیا می‌شود. ابن‌ملجم در همین نمایش هم به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید با حذف حضرت علی کاری را می‌کنید که من هزارو۴۰۰ سال پیش انجام دادم.»

رحمانیان می‌گوید: «نمایش صرفنظر از مضمون جسورانه‌ای که دارد نوعی نگاه به تئاتر و نمایش در نمایش است. اتفاقاتی که در این سال‌ها برای گروه‌های نمایش رخ داده و شرایط بازیگران و گروه‌های تئاتری که پیوندی ارگانیک با نمایش آقای بیضایی برقرار می‌کنند.»او که خود نمایشنامه‌ای به نام امیر دارد که آن هم به واقعه ضربت‌خوردن حضرت علی اختصاص دارد درباره انتخاب این اثر اضافه می‌کند: «راستش را بخواهید بعد از خواندن این نمایش خیلی علاقه‌ای به خواندن نمایش امیر نداشتم؛ به چند دلیل. نمایش امیر به نسبت مجلس ضربت‌زدن متن محافظه‌کارانه‌ای است. فکر کردم حالا که شرایطی برای به صحنه آوردن نمایشی در مورد امام علی (ع) است از میان سه متن مهر و آیینه‌های حمید امجد، امیر نوشته خودم و مجلس ضربت زدن آقای بیضایی، نمایش آقای بیضایی را برای نمایشنامه‌خوانی آماده کنم. البته علاقه‌مند بودم که مهر و آیینه‌ها را خود حمید امجد نمایشنامه‌خوانی و کارگردانی کند. اما ایشان به دلیل مشغله‌ای که برای نوشتن یک نمایش و فیلم جدیدش دارد، نتوانست این اجرا را داشته باشد.»

در نمایشنامه‌خوانی مجلس ضربت‌زدن، امیرکاوه آهنین‌جان نقش ابن‌ملجم، علی عمرانی نویسنده، اشکان خطیبی کارگردان، علی سرابی و رامین ناصرنصیر دو اعرابی، سها سناجو قطام و پرستو رحمانیان دستیار را می‌خوانند. انتخاب علی عمرانی که پیش از این در نمایش شهادت‌خوانی قدمشاد مطرب در تهران در نقش یکی از اشقیاخوان‌ها بازی می‌کرد در این نمایش در نقش نویسنده است. رحمانیان می‌گوید این انتخاب پیشنهاد متن آقای بیضایی است: «خود آقای بیضایی زمانی که می‌خواستند مجلس ضربت‌زدن را به صحنه بیاورند در مورد نقش نویسنده به دنبال بازیگری بودند که خصوصیات علی عمرانی را داشت. بازیگری کمی لاغر و تکیده که بیشتر شبیه هوشنگ گلشیری بود. به همین دلیل وقتی خواستم برای نمایشنامه‌خوانی بازیگران را انتخاب کنم از ایده خود آقای بیضایی برای انتخاب این نقش استفاده کردم.»موسیقی این کار ساخته مهدی ساکی است. رحمانیان درباره موسیقی این نمایش می‌گوید: «موسیقی این نمایش حالت موسیقی آوایی دارد و مجموعه‌ای از آواهای ملودیک و غیرملودیک و سازهای کوبه‌ای با ایجاد فضایی بین متن و خوانش آن است.»

محمد رحمانیان از نویسندگان و کارگردانانی است که علاوه بر تمرکز بر متون مذهبی، روی نمایش‌های آیینی سنتی ایرانی مطالعاتی داشته است. او در پاسخ به سوالی درباره ویژگی تعزیه‌های غیرمعروف یا تعزیه‌های غریب می‌گوید: «تعزیه‌خوانان ایران در گذشته به این افتخار می‌کردند که ۳۶۰ مجلس تعزیه به تعداد روزهای سال قمری دارند که می‌توانند در هر شب اجرا کنند. تعزیه‌های معروف که به‌عنوان تعزیه اصلی می‌شناسیم همان تعزیه‌هایی است که به واقعه عاشورا در ماه محرم سال ۶۱ هجری قمری و تبعات آن از اسارت خاندان امام حسین (ع) می‌پردازد. مثلا تعزیه عباس هندی که یکی از مجالس معروف تعزیه است در دوران بعد از واقعه عاشورا رخ داده و به حوادث بعد از آن می‌پردازد. بعد از تعزیه‌های حسینی، تعزیه‌هایی درباره سایر ائمه چون حضرت علی(ع) و امام رضا(ع) در دسترس است. تعزیه‌های علوی درباره حوادث مربوط به زندگی امام علی(ع) است. بعد از این تعزیه‌ها، تعزیه‌های مربوط به امام رضا(ع) که برای ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارد در مرتبه بعدی قرار دارد.» او درباره تجربه برداشت‌هایی که از نمایش آیینی سنتی ایران داشته نیز می‌گوید: «خود من براساس این قراردادهای مرسوم تعزیه دو کار انجام دادم که متاسفانه هر دو در اجرای عمومی با مشکل برخورد. مجلس‌نامه تنها ۱۷ اجرا داشت و شهادت‌خوانی قدمشاد مطرب در تهران هم تنها یک شب اجرای عمومی داشت. شاید در اجراهای به روز شده تعزیه آثار بهرام بیضایی و حمید امجد موفق‌تر بودند.»او درباره نظر بهرام بیضایی درباره این اجرا می‌گوید: «زمانی که برای اجازه اجرای این نمایش به آقای بیضایی زنگ زدم ایشان مهم‌ترین پیامی که به من دادند این بود که این نمایش بدون هیچ تغییری در متن به شکل کامل اجرا شود و هیچ دخل‌وتصرفی در آن اتفاق نیفتد. من هم به ایشان قول دادم که اگر موردی پیش آمد و قرار به تغییر در جایی از متن شد از اجرای نمایش انصراف دهم. دوست ندارم کاری از آقای بیضایی را با کوچک‌ترین تغییری روی صحنه ببرم. در مورد نمایش خاطرات هنرپیشه نقش دوم هم که قبل از این نمایشنامه‌خوانی شد، همین اتفاق افتاد. مشکلی هم به وجود نیامد و ما متن را اجرا کردیم. تنها مشکل این بود که قرار بود در فرهنگسرای اندیشه اجرا کنیم؛ اما سازمان فرهنگی، هنری شهرداری اعلام کرد این نمایش جزو اولویت‌هایشان نیست و به همین دلیل هم ما آن نمایش را به فرهنگسرای نیاوران بردیم و با استقبال خوبی از سوی تماشاگران هم روبه‌رو شدیم.»

جزییات تازه از سریال جدید مهران مدیری

برادران قاسم‌خانی به «اتاق عمل» نمی‌روند

فرانک آرتا

حرف‌وحدیث‌ها شکل واقعی به خود گرفته و مهران مدیری آماده بازگشت به تلویزیون است. این کارگردان و بازیگر سینما و تلویزیون، این‌روزها برای ساخت سریالی طنز برای شبکه تهران با عنوان «اتاق عمل» دست به کار شده است؛ سریالی به تهیه‌کنندگی حمیدرضا مهدوی که هم‌اکنون در مرحله نگارش قرار دارد. طی روزهای گذشته مدیر گروه فیلم و سریال شبکه تهران ضمن ارایه جزییاتی در مورد این سریال، از پیمان و مهراب قاسم‌خانی، خشایار الوند، مهدی ژوله و الهه زارع‌نژاد به عنوان گروه نویسندگان سریال جدید مهران مدیری یاد کرده بود. سیدعلی‌اکبر محمودی‌مهریزی، با اشاره به روند آماده‌سازی سریال‌های شبکه تهران در نیمه‌دوم سال۹۳ اعلام کرده بود: «سریال طنز «اتاق عمل» در مرحله پیش‌تولید و نگارش فیلمنامه است و در ۹۰ قسمت ۴۰دقیقه‌ای برای مخاطبان شبکه تهران تولید خواهد شد.» به گفته محمودی، داستان این سریال پیرامون اتفاقات در یک بیمارستان است و فیلمنامه آن توسط چند نفر از نویسندگان مطرح حوزه طنز نگارش شده است. اما باوجود گفته‌های مدیر گروه فیلم و سریال شبکه تهران، پیمان قاسم‌خانی در گفت‌وگو با «شرق» همکاری‌اش را با مدیری تکذیب کرد. او در این‌باره گفت: «حضور من و مهراب به‌عنوان نویسندگان سریال جدید مهران مدیری واقعی نیست و من این خبر را تکذیب می‌کنم. من خودم مشغول کارهای دیگری هستم و در این سریال حضور ندارم.» آخرین همکاری مهران مدیری و پیمان قاسم‌خانی در مجموعه «مرد هزارچهره» در سال۱۳۸۷ بود که یک‌سال بعد از آن هم مهراب قاسم‌خانی برای مجموعه «مرد دوهزارچهره» این همکاری را با مدیری ادامه داد. عدم‌همکاری مجدد برادران قاسم‌خانی با مدیری شایبه اختلاف بین آنها را به وجود آورده است؛ با این حال مهراب قاسم‌خانی ضمن تکذیب تمام این شایعات به «ایلنا» گفته است: «من و مهران مدیری هرگز باهم دعوا نکردیم و قهر نبودیم. طنز «پاورچین» و «شب‌های برره» سلیقه مردم در طنز را ارتقا بخشید و این موفقیت مدیون همدلی و صمیمیت اعضای گروه با یکدیگر بود. من با مهران مدیری و بچه‌های گروه بسیار صمیمی بودم و زمانی که احساس کردم ممکن است ادامه همکاری این صمیمیت را کمرنگ کند، تصمیم گرفتم دیگر کار نکنم.» قاسم‌خانی، مهران مدیری را فردی بسیار شریف، تیزبین و باهوش معرفی می‌کند.

اما مهران مدیری در حالی بعد از پنج‌سال به تلویزیون باز می‌گردد که طی این چند سال روی شبکه نمایش خانگی تمرکز داشت و با ساخت سریال‌هایی همچون «قهوه تلخ»، «ویلای من» و «شوخی کردم» مخاطبان جدیدی پیدا کرد. اما حالا به نظر می‌رسد با بازگشت به تلویزیون در نظر دارد بار دیگر توجه مخاطبان خود را به رسانه ملی معطوف کند. مدیری از چهره‌های موفق طنز عرصه تلویزیون است که اوایل دهه ۷۰کار خود را آغاز کرد. از جمله مجموعه‌های تلویزیونی موفق او می‌توان به «ساعت خوش»، «پاورچین»، «نقطه‌چین»، «شب‌های برره»، «باغ مظفر» و «مرد هزارچهره» اشاره کرد.

مرشد محمد احدی در گفت‌وگو با «شرق»:

از پرده‌خوان‌ها هم مشورت بگیرند

سحر آزاد

یک گوی و میدان دستشان است، دورتادورشان جمعیتی که برای شنیدن داستان، همه حواس خود را جمع کرده‌اند و یک پرده که مرشد با آن تاریخ و فرهنگ یک ملت را منتقل می‌کند. این بخشی از کار نقال‌هایی است که تمام عمر خود را به روایت قصه‌های پیشینیانشان گذرانده‌اند هرچند که به‌غیر از روزهای خاصی از سال، دیگر مجالی برای معرکه آنها دست نمی‌دهد. این روزها بار دیگر بازار پرده‌خوان‌ها و نقال‌ها گرم است. البته بازار آنها رونق گذشته را ندارد و معمولا به مناسبت‌های آیینی از مرشدها و پرده‌خوان‌ها دعوت می‌شود تا رسم گذشته را به جای آورند. رمضان امسال نیز حیاط خانه هنرمندان میزبان نقال‌های پیشکسوتی همچون مرشد محمد احدی از نقال‌ها و پرده‌خوان‌های شناخته‌شده است. او در مورد پرده‌خوانی‌هایی که این شب‌ها همزمان با روزهای ضربت‌خوردن و شهادت حضرت علی(ع) انجام می‌شود، به «شرق» می‌گوید: «اجراهایی که پرده‌خوان‌ها در این روزها انجام می‌دهند نمونه این ضرب‌المثل است که می‌گوید دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. ما سال‌هاست در این کار بوده‌ایم، عمری خون دل خورده‌ایم و به هرحال تجربه‌هایی در این زمینه داریم. چه خوب می‌شد وقتی برای پرده‌خوانی یا نقالی برنامه‌ریزی می‌کنند از ما هم مشورت بگیرند.» مرشد احدی در مورد توجه به جزییاتی که می‌تواند پرده‌خوانی را در این شب‌ها رونق دهد، می‌افزاید: «به صورت کلی پرده‌خوانی، شبیه‌خوانی، خیمه‌شب‌بازی و... با هم فرق دارند و به همین دلیل هریک فضاها و امکانات خاص خود را می‌طلبند، به همین دلیل برنامه‌ریزی برای هریک از آنها متفاوت است و باید فضا و مکان خاصی برای هرکدام از آنها درنظر گرفته شود.»او همچنین اضافه می‌کند: «یکی از موضوع‌هایی که باید به آن بسیار توجه کرد، جای مشخصی برای نصب پرده است. مکانی که قرار است پرده‌خوان در آن به اجرای برنامه‌اش بپردازد، باید فضای کافی داشته باشد و مردم بدانند پرده‌خوان قرار است در اینجا برنامه داشته باشد. وقتی این نکته‌ها به‌کار گرفته شود، هرکس سرجای خود قرار می‌گیرد و در صورتی که چندین برنامه در کنار هم درحال اجرا باشند، حتی ممکن است فضای رقابتی نیز ایجاد شود همچنان که در گذشته اینطور بود و هرکس سعی می‌کرد به رقابت با پرده‌خوان‌های اطراف خود بپردازد.»او پیشنهاد می‌کند مکان‌هایی ثابت برای اجرای پرده‌خوانی و نقالی در تمام طول سال تعیین شود: «اگر یک مکان مشخص برای ۳۶۵ روز درنظر گرفته شود، پرده‌خوان‌ها در کنار هم جمع می‌شوند و می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. این کار باعث می‌شود، بسیاری از متونی که مورد فراموشی قرار گرفته‌اند و دیگر استفاده نمی‌شوند، یادآوری شوند.»مرشد احدی در مورد بیشترین متونی که برای پرده‌خوانی‌های شب قدر استفاده می‌شود، می‌گوید: «معمولا متن‌ها و پرده‌خوانی‌هایی که به مولا علی (ع)، رشادت‌ها و کرامت‌های ایشان مربوط است را برای مردم می‌خوانیم.»او در ادامه اظهار می‌کند که شیراز، اصفهان، تهران، مشهد و تمامی بازارهای شمال کشور از جمله مراکز پررونق پرده‌خوانی در گذشته بوده‌اند و سپس به علاقه نسل جوان به این هنر اشاره می‌کند: «مگر چقدر پرده‌خوان باقی مانده است که جوان‌ها بخواهند از این طریق با آنها آشنا شوند؟»

خبر سازان

کارگردان «آی با کلاه، آی بی‌کلاه» در بیمارستان

«جعفر والی» خونریزی معده کرد

● **شرق:** جعفر والی؛ کارگردان شناخته‌شده تئاتر که قرار بود برای پاییز نمایش «آی باکلاه آی بی‌کلاه» را به صحنه ببرد چندی پیش گرفتار خونریزی شدید معده شده بود که در حال حاضر سطح هوشیاری‌اش از ضعیف به نرمال رسیده و حالش رو به بهبود گزارش شده است. والی، کارگردان نمایش «آی با کلاه، آی بی‌کلاه» چند روز پیش بر اثر خونریزی شدید معده در بیمارستان ایرانشهر بستری شد. او در ابتدا سطح هوشیاری‌اش ضعیف بوده اما خوشبختانه مسوول سی‌سی‌یو بیمارستان روز گذشته حال او را رو به بهبود اعلام کرد و به مهر گفت: «در حال حاضر هوشیاری‌شان در سطح نرمال قرار دارد اما فعلا تحت‌نظر هستند و مشخص نیست چه زمانی به بخش عمومی منتقل می‌شوند.» عباس غفاری، مدیر روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی نیز درباره اجرای این نمایش گفت: «امیدوارم بعد از مرخص‌شدن این هنرمند از بیمارستان بتوانیم به زودی میزبان او در صحنه تئاتر به عنوان کارگردان باشیم. آقای طاهری هم قول داد تمام تلاشش را به کار بگیرد تا شرایط اجرای این نمایش فراهم شود.»«آی با کلاه، آی بی‌کلاه» پیش از این در سال ۱۳۴۶ توسط او و با بازی عزت‌الله انتظامی، پرویز فنی‌زاده، علی نصیریان، منوچهر فرید و مهین شهابی در تالار سنگلج به روی صحنه رفته بود. والی نیز برای به روی صحنه‌بردن دوباره این نمایش امیدوار بود دوستان قدیمی‌اش که در گروه تئاتر ملی حضور داشتند مانند علی نصیریان و جمشید مشایخی در این نمایش بازی کنند. او پیش از بیماری‌اش در این‌باره به «شرق» گفت: «علی نصیریان در اجرای قبلی من از آی باکلاه آی بی‌کلاه نقش پدر را در سنی خیلی مسن‌تر از خودش بازی کرده بود و الان فکر می‌کنم برای این نقش گزینه بسیار مناسبی است. به همین دلیل علاقه‌مند به بازی ایشان در این نمایش هستم. اما باز هم حضور این دوستان در نمایش بستگی به نظر و زمان خودشان دارد.» این کارگردان تئاتر تاکنون کارگردانی نمایش‌هایی چون «پالتو»، «آی باکلاه آی بی‌کلاه»، «چوب به دست‌های ورزیل» و «گاو» را برعهده داشته است.

زیر آسمان فیروزه ای

تئاتری‌ها کشتار بی‌رحمانه غزه را محکوم کردند

● **شرق:** حوادثی که این روزها در غزه رخ می‌دهد باعث جریحه‌دارشدن قلب بسیاری در جهان از جمله هنرمندان شده است. به‌طوری که جمعی از هنرمندان تئاتر ایران طی بیانیه‌ای همصدا با سایر هنرمندان آزاداندیش جهان، کشتار بی‌رحمانه غزه را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است: «غزه، قطعه‌ای خاک نیست، صحنه مکرری از غربت انسانیت نسل‌های ستم‌دیده در طول تاریخ است. نمایشی است از رویارویی ناتمام حق و نیک‌اندیشی و صلح‌خواهی هابیلیان با هر چه پلشتی و تجاوز و جسارت وحشیانه قابیلیانی که هیچ یک از مرزهای اخلاقی و آیینی را در حریم جغرافیای انسانی نمی‌شناسند. واقعیت این ایام، معصومیت از دست‌رفته‌ای است که در ازدحام آتش و دود و محاصره، چشم و گوش جهانیان را پوشیده بر شراره‌های ریخته بر دامن کودکان بهت‌زده و عاطفه مادران سوخته و هستی پریشان‌شده فلسطینی می‌بیند. حق زنده‌بودن و زندگی، تجربه و احساس خاک و آسمان، حق شادی‌های کودکانه و از همه بیشتر حس آرامش و امنیتی که در سکوت تلخ سیاست‌زدگی‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها، ناشنیده و نادیده می‌شوند. اما ساکنان این خاک آزادگی و اهالی هنر شریف نمایش این کشور، تماشاچیان بی‌طرف و دل‌های بی‌تفاوت این صحنه نیستند و نفرین قلبی خود را نثار قلم و زبان و صحنه‌گردانی عوامل این سناریو می‌کنند و خود را در حماسه مقاومت و اندوه ساکنان مظلوم غزه، سهیم می‌دانند و از خدای عدالت، عنایتی دیگر می‌طلبند و قامت استوار مقاومان غزه را صبر و شکیبایی بیشتر امید می‌برند و بر این باورند که: ای خون ایستاده در برابر تاریخ! جهان خسته از توحش و نابرابری، تاریک این شب‌ها را باور نمی‌کند و بی‌شک دستان خورشیدیان بشارت، ستاره‌های خونین را از خاکستر و خاک، برخواهد داشت و سکوت خونین‌شان را در فردای رهایی، ایستاده و جاری، فریاد می‌زند...»

سرخط

- **مهر: علیرضا قربانی خواننده موسیقی ایرانی برای تکمیل مراحل پایانی ضبط تازه‌ترین آلبومش به آهنگسازی سامان صمیمی عازم کشور فرانسه شد.**
- **شرق: مدیر مرکز موسیقی وزارت ارشاد همراه با گروه کر آوازی تهران به کشور لتونی سفر کرد.**
- **ایسنا: «اسپایک جونز»، کارگردان سرشناس آمریکایی به سبب ناآرامی‌ها و کشتار مردم فلسطین در غزه ترجیح داد کلاس پیشرفته فیلمسازی خود در جشنواره دارالسلام را برگزار نکند.**